

پیرمرد چشم ما بود

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا

در سومین روز از زمستان امسال ، حسین شاه حسینی مردی از تبار آزادی ، مردی از نسل ایثار ، مردی از خودگذشته به خاطر میهن ، آن که هفتاد سال برای آزادی تلاش کرد ، نالید ، کوشید و زندگی بر سر آن گذاشت ، بار مسئولیت خویش بر زمین گذاشت و به سرای باقی شتافت تا در روز رسیدگی به حساب در پیشگاه معبود خویش از آن چه بر او میهنش و مردمان سرزمینش رفت با خدای خویش سخن بگوید .

شاه حسینی امروز دیگر در میان ما نیست . اما یاد او و خصال برجسته اش همواره در نزد کسانی که از دور و نزدیک با او و تلاش هایش آشنایی داشتند باقی خواهد ماند. آنهایی که همواره در عرصه مبارزه او را در صف اول دیده بودند . آنها که در سال های مبارزه در باغ او مخفی شده بودند و او با فروتنی روزها از آنها پذیرایی کرده بود . آنهایی که شاه حسینی برای آزادی آنها از زندان سند زمین اش را وثیقه قرار داده بود . آنهایی که برای حل مشکلات مالی خانواده های زندانیان شاهد تلاش بی وقفه او برای جمع آوری کمک های مالی از سوی او بودند . آنهایی که حتی برای حل مشکلات شخصی و خانوادگی نیز به سراغ او می رفتند ، او را در یاد و خاطر خود زنده نگاه خواهند داشت .

شاه حسینی اما در کنار تلاشهای همه جانبه اش در راه مبارزه و در کوشش های ورزشی و اجتماعی اش ، از خصلتی خاص برخوردار بود . او هیچ گاه از خود نمی گفت . برای

بیان خاطراتش بیش از از ده سال با ایشان گفت و شنود داشتیم . نخست با مرحوم هدی صابر که شاه حسینی بسیار دوستش می داشت و برایش احترام قائل بود در سال 1376 موضوع را با ایشان مطرح کردیم و او هر بار با استدلال خاص خودش از پذیرش خواسته ما خودداری می کرد تا آن که با وساطت مرحوم مهندس عزت الله سحابی توانستیم موافقتش را جلب کنیم. همواره می گفت ما که کاری نکردیم . اگر هم قدمی برداشتم ادای دین و انجام وظیفه بوده است .

او بی آن که چیز زیادی از تلاش ها ، ایثار ها ، کارها و فعالیتهای هفت دهه حضور خود در سال های سخت مبارزه برای ما بگوید از میان ما رفت . او برای ما از آن چه در روزهایی که در قصر و قزل قلعه و زندان شهربانی و کمیته مشترک بر او رفته بود ، از شلاق و شکنجه چندان نگفت . از سیلی هایی که بر صورتش نواخته شد و از مشتش ها و لگدهایی که بر بدنش فرود می آمد از دشنام هایی که شنید و دم برنیاورد، از تهمت هایی که بر او می بارید و امکان دفاع نداشت . از روز های تنهایی در سلول انفرادی ، از نجوایی که با رب بلند مرتبه اش در کنج زندان داشت و از زیارت عاشورایی که در خلوت خویش خوانده بود با کسی حرفی نزد.

بخش عمده خاطرات هشتصد صفحه ای اش بازگویی تلاش ملت و از کوششگران و مبارزان راه آزادی بود . ولی او فقط از رهبران سخن نمی گفت . در کنار یادآوری از دکتر مصدق ، شهید دکتر فاطمی، آیت الله زنجانی ، صدیقی و صالح و سنجابی و فروهر و

بازرگان و سحابی ها و طالقانی و... یاد و خاطره آنهایی را در خاطره ها زنده می کرد که همچون رهبران در نزد مردم شناخته شده نبودند . به قول خودش یقه چرکین ها ، آنهایی که بار اصلی مبارزه را همیشه بر دوش دارند . از هم سلولی های جوانی که غم زخم های آنها ، دردهای خودش را از یاد او می برد.

او از هیچ کسی شکایتی و گله ای نداشت . آن روز هم که در بازار آهنگران تهران با آن فردی که در دوران زندان در کمیته مشترک او را به شدت شکنجه کرده بود رو به رو شد باز هم هیچ نگفت . از او گله و کینه ای به دل نداشت و در مقابل درخواست آن فرد و همسرش که از او می خواستند او را ببخشد تا بتواند بعد از یک سال کابوس سر به آرامی بر بالین بگذارد گفت : بخشش از آن خداست .

در این نوشتار می کوشم تا برخی خصال برجسته او را که در طول دوران آشنایی با ایشان دیدم و شناختم بازگو کنم :

1- پای کار بودن: شاه حسینی در طول حیات سیاسی ، اجتماعی خود از آن دسته عناصری بود که همواره در میانه میدان بود و به اصطلاح پای کار بود . هیچ گاه در حاشیه قرار نداشت. در دوران انتخابات مجلس شانزدهم ، او از جمله اعضای سازمان نظارت بر انتخابات بود که با حضور در محل شمارش آرای صندوق های رای و نگهبانی بر بالای بام مسجد سپهسالار به همراه دیگران برای جلوگیری از دست بردن در صندوق های رای تلاش کرد . در دوران حکومت مصدق فعالانه در عرصه میدان حمایت از دولت

ملی مصدق در بازار تهران کوشید . بعد از کودتای 28 مرداد از جمله اولین افرادی بود که به ندای آیت الله زنجانى پاسخ داد و تا آخرین روزهای حیات نهضت مقاومت در عرصه های مختلف همچون چاپ و تکثیر و توزیع نشریات و اعلامیه های نهضت مقاومت ملی، استوار و مقاوم کوشید . در دوران جبهه ملی دوم او با قبول مسئولیت کمیته محلات جبهه ملی یکی از فعال ترین اعضای جبهه ملی محسوب می شد . او بعد از انتخاب به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی نیز این شیوه را ترک نکرد . شاه حسینی در جریان درگذشت جهان پهلوان تختی از جمله کسانی بود که در تمامی مراحل از پزشکی قانونی تا برگزاری مراسم شب چهلم تختی حضور داشت . این رویه در جریان تحولات منجر به پیروزی انقلاب نیز ادامه یافت و بعد از پیروزی انقلاب نیز چه در دوران ریاست بر ورزش کشور و چه بعد از آن در جریان فعالیت های سیاسی ادامه یافت . تقریباً در برگزاری همه مراسم بزرگداشت نیروهای ملی و مذهبی یک پای کار حسین شاه حسینی بود که با دقت همه چیز را هدایت می کرد . یک بار بعد از فوت مرحوم آیت الله سید ابوالفضل زنجانى ، مهندس بازرگان با توجه به همین خصوصیت ایشان گفت امروز خیالم از مرگ راحت شد ، با بودن شاه حسینی همه چیز به درستی انجام خواهد شد . همین روحیه حضور در میدان بود که همواره عناصر سیاسی ملی و مذهبی برای آغاز و انجام هر فعالیتی از او برای مشارکت دعوت می کردند .

2-مردمی بودن :

یکی دیگر از خصوصیات مرحوم شاه حسینی حضور در میان اقشار مختلف و ارتباط با بدنه اجتماع و مردم بود . او به رغم همکاری سیاسی با نیروهای روشنفکر و سیاسی ، هیچ گاه ارتباط خود را با اقشار گوناگون مردم همچون روحانیان، کشاورزان ، کسبه و پیشه وران ، بازاریان ، ورزشکاران و نیروهای جوان و از جمله دانشجویان قطع نکرد . به همین سبب تا پایان عمر همواره در منزل او شاهد حضور نیروهای مختلف بودیم . نیروهایی که برای همکاری سیاسی ، کسب تجربه ، راهنمایی در عرصه مختلف اقتصادی ، اجتماعی و یا سیاسی و ورزش به ملاقات او می شتافتند و او نیز بی دریغ و منت آنچه در سالیان متمادی حضور در این عرصه جمع کرده بود در اختیار آنها می گذاشت .

3- صداقت: ویژگی بارز دیگر شاه حسینی ، صداقت بود . او همواره صداقت و راست گویی را بر هر چیز دیگر مقدم می داشت . دوستان و کسانی که با او ارتباط و مراوده داشتند به خوبی این خصوصیت را در پیرمرد دیده بودند. هیچ گاه بر خلاف عقیده سخن نمی گفت و دیدگاه ها و نظرات خود را به روشنی و وضوح کامل بیان می کرد . در سال 1342 در زندان قصر هنگامی که بر سر پیشنهاد رژیم شاه به سران جبهه ملی اختلاف نظر بروز کرد . شاه حسینی با تمام احترامی که برای بزرگانی همچون مهندس حق شناس یا مهندس زیرک زاده و دیگران قائل بود و

همواره از آنان با نیکي و احترام یاد می کرد نظرات خود را به صراحت و صداقت بیان کرد.

مرحوم شهید رجایی بعد از تصدی پست نخست وزیری به شاه حسینی پیشنهاد کرد که در سمت خود در ریاست سازمان تربیت بدنی باقی بماند. به گفته خودشان: " شهید رجایی در باره ریاست سازمان تربیت بدنی به من پیغام دادند که شما مسلمانی متدین هستید و لازم است به کار خود در تربیت بدنی ادامه دهید اما باید اعلام کنید که دیگر عضو جبهه ملی نیستید. این درخواست را نپذیرفتم... من هنوز عضو جبهه ملی هستم و نمی توانم بگویم که عضو نیستم. در این میان مرحوم بهشتی و مرحوم آقای رجایی اصرار می کردند که من بمانم و به کار خود ادامه دهم."

4-شجاعت: یکی از ویژگی های بارز شاه حسینی شجاعت او در عرصه مبارزات اجتماعی-سیاسی بود. او در هنگام برگزاری تجمع ها و تظاهرات همواره در صف اول قرار داشت. در جریان تظاهرات 20 آبان 1332 که در باراز تهران برگزار شد، او که یکی از ترتیب دهندگان آن مراسم بود در چهار سوق بزرگ تهران پای چهارپایه ای که مرحوم حاج سید مهدی قوام علیه رژیم سخن می گفت، حضور داشت و بعد از حمله نیروهای رژیم به مقابله با آنان برخاست. در زمان برگزاری میتینگ در میدان جلالیه در اردیبهشت 1340 و دو ماه از آن در جریان برگزاری سالگرد شهدای قیام سی تیر در جلالیه شاه حسینی در صف اول تظاهرکنندگان قرار داشت. کسانی که در

طول این سال ها در گردهمایی ها و مراسم گوناگون حضور داشته اند به خوبی به یاد دارند که او همواره از جمله نخستین کسانی بود که به مقابله با نیروهای خودسر که به منظور برهم زدن مراسم گسیل می شدند می شتافت . از جمله این مراسم یکی هم برگزاری مراسمی در باغ آقای حسین گلزار در جاده کرج بود که شاه حسینی در مقابل در باغ از جمله نخستین کسانی بود که در مقابل اراذل اجیر شده از سوی ساواک ایستاد و به شدت نیز مضروب و مجروح شد .

5-فروتنی و بی ادعایی: شاه حسینی به رغم هفتاد سال تلاش در عرصه های مختلف همواره خود را یک سرباز راه آزادی و استقلال ایران می دانست . او هیچ گاه سابقه فعالیت های خود را پوششی برای طرح خود در جامعه نداشت . هیچ گاه ادعای رهبری و برتری نسبت به دیگران نداشت . در میان جمع با فروتنی نظرات خود را بیان می کرد و از دیگران می خواست تا درباره سخنانش نظر دهند . اگر کسی را در امری بالاتر از خود می دانست حتی اگر از لحاظ سن و سابقه با او تفاوت داشت نظراتش را می پذیرفت و به آنها عمل می کرد . همیشه در باره سوابق و فعالیت های خود آنها را انجام وظیفه تلقی می کرد و از خدا طلب آمرزش و مغفرت می کرد .

6- روحیه کار جمعی: یکی دیگر از خصوصیات مهم مرحوم شاه حسینی روحیه بالای او در همکاری با دیگران بود . او که در ابتدای شروع فعالیت های سیاسی -اجتماعی خود با روحانیانی همچون آیت الله کاشانی و شیخ حسین لنگرانی نزدیک بود و در

جلسات آنها شرکت می کرد در جریان انتخابات دوره شانزدهم با سازمان نظارت بر انتخابات همکاری داشت . جامعه اصناف بازرگانان بازار تهران تشکلی بود که شاه حسینی در دوران ملی شدن نفت با آن همکاری داشت .

همکاری با حسین جبارزادگان در باشگاه بوستان ورزش نمونه دیگری از روحیه کار جمعی در نزد او بود . این در حالی بود که با مرحوم جبارزادگان اختلاف فکری داشت . ولی تا زمانی که رژیم او را از حضور در میادین ورزشی محروم نکرده بود همکاری او و جبارزادگان در زمینه ورزش و تا پایان عمر دوستی آنها ادامه داشت . او بعد از کودتای 28 مرداد به همکاری با مرحوم آیت الله زنجانی در نهضت مقاومت پرداخت . نهضت مقاومت ملی در آن زمان نماد همکاری نیروهای ملی به رغم اختلاف های عقیدتی و سیاسی به شمار می رفت . در نهضت مقاومت ملی نیروهای مذهبی همچون آیت الله زنجانی، آیت الله طالقانی ، مهندس بازرگان ، سحابی ها و... در کنار نیروهای جبهه ملی همچون دکتر معظمی، دکتر سنجابی، داریوش فروهر ، شاهپور بختیار و... علیه رژیم شاه مبارزه پرداختند.

او به رغم عضویت در شورای جبهه ملی در فاصله سال های 1342 تا 1357 با اعضای نهضت آزادی همکاری داشت . محمد حنیف نژاد، سعید محسن و رضایی ها از دوستان نزدیک او به شمار می رفتند و او همواره در حد توان خود در برآوردن نیاز های آنها کوشش داشت . . مصطفی شجاعیان که یک فعال سیاسی غیر مذهبی بود نیز با

شاه حسینی ارتباط داشت و خواسته هایی همچون دیدار با دکتر مصدق را از شاه حسینی داشت .

شاه حسینی که با گردانندگان حسینییه ارشاد ارتباط تنگاتنگ داشت در همان حال با مخالفان دکتر شریعتی و از جمله شیخ حسین لنکرانی نیز رابطه داشت و یک بار نیز با برگزاری جلسه ای با حضور آنها تلاش کرد تا شیخ حسین لنکرانی را با شریعتی نزدیک سازد .

در جریان تحولات منتهی به 22 بهمن 1357 شاه حسینی به دلیل همین ویژگی و کارایی از سوی کمیته استقبال از رهبر انقلاب دعوت به همکاری شد و در کنار روحانیون برجسته ای همچون آیت الله مطهری، دکتر بهشتی و نیز در کنار اعضای هیات های مؤتلفه اسلامی به انجام وظیفه پرداخت .

شاه حسینی بعد از پیروزی انقلاب هم با همین روحیه به همکاری با سایر نیروها پرداخت . همکاری با مهندس بازرگان در تاسیس جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملی در دهه 1360، همکاری و مشارکت در تاسیس جمعیت تلاشگران آزادی انتخابات در دهه 1370 و همچنین قبول پیشنهاد مهندس عزت الله سحابی مبنی بر عضویت در شورای فعالان ملی- مذهبی نمونه دیگری از این روحیه کار جمعی در نزد حسین شاه حسینی بود .

7- فداکاری و ایثار : کسانی که در طول حیات شاه حسینی با وی آشنایی و همکاری داشته اند این ویژگی وی را به خوبی می شناسند . در زمان نیاز به جمع آوری کمک های مالی در امور سیاسی ویا کمک به نیازمندان ، در زمان نیاز برای ارائه سند برای آزادی زندانیان سیاسی ، به هنگام نیاز به تهیه مکان برای برگزاری مراسم مذهبی و یا سیاسی و اجتماعی همه نگاه ها در وهله اول به سوی حسین شاه حسینی معطوف می شد . باغ شاه حسینی در کرج یکی از جاهایی بود که برای برگزاری مراسم نماز عید فطر یا دیگر مراسم نگاه ها به سوی آن بود . او نیز در این موارد با سخاوت و از خود گذشتگی تا آن جا که در توان داشت برای انجام درخواست ها کوتاهی نمی کرد . اسناد زمین کشاورزی شاه حسینی که پیش از انقلاب موجبات آزادی بسیاری و از جمله برخی از بزرگان جمهوری اسلامی را فراهم آورده بود بعد از انقلاب نیز همین نقش را ایفا کرد . او هنگامی از دنیا رفت که هنوز برخی از اسنادش هنوز آزاد نشده بود.

8- تدین: شاه حسینی که در خانواده ای مذهبی زاده و تربیت یافته بود تا پایان عمر دست از اعتقادات مذهبی اش بر نداشت . خانواده ایشان نیز خانواده ای مذهبیو مقید به رعایت آداب و احکام شرعی بودند . به گفته دخترشان: " پدر روی حجاب من حساسیت داشتند می توانم بگویم چه برای مادر و چه برای من در این مورد متعصب بودند . هرچقدر شخصی به ایشان نزدیک تر بود حساسیت ایشان در باره حجاب بالاتر بود . " روحیه مذهبی و تدین

ایشان تا به اندازه ای بود که از سوی بزرگانی همچون آیت الله حاج سید رضا زنجانی و آیت الله العظمی حسینعلی منتظری اجازه جمع آوری وجوهات داشت .

به گفته خودش هر روز بعد از نماز صبح تقید به خواندن زیارت عاشورا داشت . و همواره این جمله را تکرار می کرد که هر عملی در زمینه سیاسی و اجتماعی انجام می دهم برخاسته از وظایف و تکلیف دینی است و انشاءالله در پیش خدا مورد قبول قرار گیرد . شرکت در مراسم عزاداری محرم و مراسم شب های قدر و اعیاد و وفیات مذهبی در طول سال های زندگی نیز هیچ گاه ترک نشد .

تدین و اعتقادات مذهبی شاه حسینی فقط به آداب و ظواهر شرعی محدود نمی شد . او در روابط اقتصادی با دیگران، در عدم استفاده از بیت المال ، حفظ آبروی دیگران ، پرهیز از تهمت و غیبت و سایر تقیدات شرعی نیز کمال مراقبت را داشت .

توضیح در باره دیگر صفات حسین شاه حسینی همچون آزادی خواهی ، ایران دوستی و عشق به دکترا مصدق شاید تکرار مکررات باشد . آنهایی که با تاریخ معاصر ایران اندک آشنایی دارند در باره این صفات او بسیار شنیده اند . درباره مردی که در راه ایران و برای آزادی و سربلندی ایران بارها و بارها طعم احضار، بازداشت ، زندان ، کتک و شکنجه را چشید .